

ماه فروردین و اردیبهشت

در شماره ۳۵ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳ بخارا نوشته‌ای با عنوان «نام‌های دوازده ماه» بقلم دانشمند فقید ابراهیم پورداود نقل شده‌بود. چون پس از درگذشت شادروان پورداود نکته‌های تازه درباره‌ی گاهشماری ایران باستان آشکار شده بعید نیست نقل آن نوشته، بی‌توضیحات کافی درباره‌ی نکات تازه یافت، موجب دشواری کار کسانی که در این باره پژوهش می‌کنند بشود. بنابراین نقد نوشته پورداود می‌تواند سودمند باشد. به عنوان نمونه دو جمله آغاز نوشته مزبور را بررسی می‌کنیم:

جمله اول: از یازدهم فروردین ماه ۱۳۰۴ هجری نام‌های دوازده ماه دیگر باره در ایران فارسی گردیده و سال هجری قمری به سال هجری شمسی تبدیل یافت. به جای محرم و صفر و ربیع و جز آن فروردین و اردیبهشت و خرداد گفتند. اگر از جمله بالا برداشت شود که تا پیش از روز یازدهم فروردین ۱۳۰۴ در ایران تنها سال و گاهشماری هجری قمری رایج بوده، دچار بدفهمی می‌شویم. در دوره‌ی بلافاصله پیش از روز یازدهم فروردین ۱۳۰۴ در ایران چند نوع سال و گاهشماری دیگر، همزمان و همپا، با سال گاهشماری هجری قمری بکار می‌رفت از آن جمله:

الف - گاهشماری یزدگردی که بر سال گردان ۳۶۵ روزه یزدگردی استوار بود و عمدتاً ابزار کار ستاره‌شناسان و منجمین بود، ماه‌های این سال با نام‌های فروردین و اردیبهشت و غیره شناخته می‌شد.

ب - گاهشماری جلالی که مبنایش سال هجری شمسی بود و اسامی ماه‌های آن همان فروردین و اردیبهشت و غیره بود. اما تعداد روزهای ماهها مانند آنچه پس از سال ۱۳۰۴ مرسوم شد نبود و برای جمع کردن تقریباً یک چهارم شبانه روز افزون بر ۳۶۵ روز تزئینات خاص داشت.

آنجا که سعدی می‌گوید

اول اردیبهشت ماه جلالی

بلبل گوینده بر منابر قضبان

به این گونه گاهشماری اشاره می‌کند.

ج - گاهشماری چینی یا مغولی یا خطائی، چون ماه‌های این گاهشماری قمری است در آن نام‌های ماه‌های هجری قمری چون محرم و صفر و غیره را بکار می‌بردند. اما سال‌ها را با نام‌های ترکی بخش‌های دوازده‌گانه روز نامگذاری می‌کردند. مانند «سیچقان ئیل» و «اودئیل» و غیره. این گاهشماری از دوره‌ی صفویه تا آخر دوره‌ی قاجاریه از سوی مقامات دولتی رعایت می‌شد.

مسلم است ایرانیان حتی پس از پیدایش اسلام اسامی کهن ماههای سال را، که به فارسی دری فروردین و اردیبهشت و غیره بود، همواره به کار می‌بردند. بنابراین از یازدهم فروردین ۱۳۰۴ به بعد فروردین و اردیبهشت و غیره جای محرم و صفر و غیره را نگرفتند. این هر دو نوع اسم ماه همیشه در ایران پس از اسلام رایج بوده و هم اکنون هست.

برداشت نادرست دیگری که شاید از این جمله پورداود بشود این است که گاهشماری هجری شمسی، که با قانون فروردین ۱۳۰۴ گاهشماری رسمی کشور شد - و آن را هجری شمسی نامیدند - دست کم یکی از گاهشماری‌های رایج در ایران پیش از اسلام بوده است چنین برداشتی درست نیست. گاهشماری رسمی رایج در ایران امروز که - شش ماه تابستان آن هر یک ۳۱ روز و پنج ماه زمستان آن سی روز و دوازدهمین ماه ۲۹ روز - که هر چهار سال یک بار ۳۰ روز محاسبه می‌شود - گاهشماری است که اخیراً وضع شده. نویسنده این گزارش دقیقاً نمی‌داند و واضح یا واضعان آن چه شخص یا اشخاص بوده‌اند احتمال دارد مرحوم سیدجلال تهرانی یا حتی مرحوم سیدحسن تقی‌زاده - هر چند گویا در آن زمان در ایران نبوده - در این زمینه نقش داشته‌اند.

جمله دوم: در روزگار داریوش بزرگ هخامنشی ۵۲۱ - ۴۸۵ پیش از میلاد تقویم دینی مزدیسنا در ایران رواج گرفت و ماههای زرتشتی جانشین ماههای فرسی هخامنشی گردید.

در پانویشت مربوط می‌افزاید:

«داریوش در وقایع چهارمین و پنجمین سال پادشاهی خود نام‌های نه ماه فرس را در کتیبه بیستون یاد کرده است، نگاه کنید به خرده اوستا گزارش (تفسیر) نگارنده صفحه ۲۰۵.»

به احتمال قریب به یقین روانشاد پورداود در این جمله و پانویشت آن دچار چند سهوالقلم و خطا شده است از جمله:

الف - بنا به کتیبه بیستون داریوش در روز دهم باگیادیش یعنی روز دوازدهم ماه هفتم سال، معادل ۵۲۲/۵۲۱ پ. م گئومات مغ را در دژسی کیهوتی واقع در سرزمین نیسای ماد می‌کشد و بی‌درنگ به تخت سلطنت می‌نشیند. پس آغاز سلطنت داریوش را در سال ۵۲۱ ب. م دانستن درست نیست. پائین‌تر یادآور اهمیت اختلاف میان سال ۵۲۲ پ. م با سال ۵۲۱ پ. م خواهیم شد.

ب - اصطلاح «تقویم دینی مزدیسنا» که پورداود می‌گوید پس از به تخت‌نشینی داریوش در ایران رواج و رسمیت یافت مفهومی است که هنوز به مشخصات کلی آن دقیقاً روشن و مدون شده و نه جزئیات آن، آیا این همان گاهشماری است که تقی‌زاده و اکثریت قریب به اتفاق ایرانشناسان عقیده دارند روحانیت زرتشتی از کاهن‌های مصری به عاریت گرفتند و دست کم یکی از عناصر آن سال ۳۶۵ روزه مصری بود؟ آیا تقویم دینی مزدیسنا، همان گونه که تلویحاً از جمله اول نوشته پورداود

برمی‌آید. گاهشماری شمسی است؟ یا بر طبق آنچه پورداود در صفحه ۲۰۶ خرده اوستا به آن اشاره کرده این گاهشماری مبتنی بر سال و ماه قمری است؟ اگر آن گونه که پورداود در تفسیر برخرده اوستا متذکر شده مراد گاهشماری قمری بوده این ماه قمری در چه وقت شبانه روز آغاز می‌شده است؟ آیا همان گونه پورداود می‌گوید با رؤیت اولین هلال ماه در اول شب؟ اگر چنین باشد آنگاه با باورهای زرتشتی که شب و تاریکی را اهریمنی می‌داند سازگار نیست. ابتدای محاسبه زمان از آن موقع که به اهریمن تعلق دارد معقول به نظر نمی‌آید. پورداود آنجا که درباره‌ی تقسیم ماه قمری زرتشتی به شش بخش پنج روزه توضیح می‌دهد تأکید می‌کند نخستین پنج روز ماه دینی مزدیسنا، که اندر ماه نامیده می‌شد، با رؤیت هلال ماه نو شروع می‌شود. این نظر پورداود را نمی‌توان پذیرفت.

ج - پورداود می‌گوید: «ماههای زرتشتی جانشین ماههای فرسی هخامنشی گردید». در اثبات این ا دعای به اسم ماههائی که در کتیبه بیستون آمده اشاره می‌کند. آنچه را که پورداود «ماههای فرسی هخامنشی» می‌خواند اسامی پارسی باستان ماههای گاهشماری بابلی است. گاهشماری بابلی گاهشماری شمسی - قمری بود که تا پیش از تسلط هخامنشیان بی‌نظمی مدون، به هنگام لزوم، ماهی را در آن کیسه می‌کردند. تنظیم کیسه در این گاهشماری نخست در سلطنت کمبوجیه - که پیش از سلطنت رسیدن حاکم بابل بود - مرسوم شد. در دوره‌ای هشت‌ساله آن سه کیسه انجام می‌شد. بعدها در زمان سلطنت داریوش چون دوره‌ی هشت ساله ازدقت کافی برخوردار نبود دوره‌ی نوزده ساله را - که احتمال ضعیف می‌رود خود داریوش واضع آن بوده - برقرار کردند که بر طبق اسناد کتبی لااقل تا پایان سده‌ی ششم پ. م گاهشماری دولتی هخامنشیان بوده است.^(۱) در این دوره نوزده سال هفت سال سیزده ماهه محسوب می‌شد. سرانجام آنجا که پورداود در زیرنویس مربوط می‌گوید «داریوش وقایع چهارمین و پنجمین سال پادشاهی خود را در کتیبه بیستون یاد کرده است» اشتباه می‌کند بدنه کتیبه بیستون شرح رویدادهای سال ۵۲۲ - ۵۲۱ پ. م یعنی سال اول سلطنت اوست. داریوش از ۱۹ جنگ - که بی‌درنگ پس از به تخت‌نشستن، برای سرکوبی شورش همگانی که سرتاسر شاهنشاهی هخامنشی را فرا گرفته بود رویداد یاد می‌کند با ذکر روز و ماه وقوع هر یک از جنگ‌ها. داریوش در سرتاسر کتیبه چندین بار تکرار می‌کنند این ۱۹ جنگ را در یک سال و فقط در یک سال ۵۲۲ - ۵۲۱ انجام داده است. این «یک سال داریوش» یکی از معماهای تاریخ ایران باستان است. تا به حال تحقیقات فراوان در این باره شده و مقالات متعدد نوشته‌اند. هر جور حساب می‌کنند این جنگ‌ها در مدتی بیش از ۳۶۵ ۱۴ روز روی داده بوده است. هنوز روشن نشده که مقصود داریوش از یک سال چه نوع سالی بوده است. به عنوان مثال وان در وردن مورخ بلند آوازه علم عقیده‌دارد^(۲) منظور داریوش از این یک سال مدت مکث سیاره‌ی مشتری در برج‌های دوازده‌گانه بوده است.